

گزارش دریافتی به قلم یک مسافر آگاه

**چهره واقعی ایران**

**آنگونه که هست، نه آنگونه**

**که آقایان شبانه روز ادعا می کنند**

مردم تک تک و در زندگی روزانه خود با چهره حکومت آشنا هستند و می شوند اما بزرگترین موفقیت دولت، همانا گرفتن جلوی گردش خبر و اطلاعات و آگاهی در کل جامعه و بالا گرفتن بحث و تبادل نظر است و این کنترل فعلا به نوعی بی خیالی انجامیده است و تصور نمی شود کسی حال انتخابات رئیس جمهوری داشته باشد!

فرودگاه امام خمینی را باید از نزدیک دید تا جمهوری سپاهی را بتوان از دور نگاه کرد! مسافران را می توانید بر اساس خطوط هوایی یا مقصدشات تعیین طبقاتی کنید. مثلا اگر با هواپیمایی "امارا" به تهران رسیده باشند شیک، خوش بو با لباس ها و کیف ها و چمدان های گران قیمت اند. اگر با شرکت آسمان مثلا راهی بندرعباس شوید زنها با چادر و مقنعه و بعضا روبنده، مردها سیه چرده و خسته، لباسها رنگ و رو رفته و کیف ها هم نوعی گونی دوخته شده زیپ دار، معروف به کیف ملوانی است.

پروازهای آسمان که معمولا بیشترین مسافران را از شیخ نشین ها به تهران جا به جا می کردند تعطیل شده اند. آنها حالا مسافران را تا شهرستان هایی مثل چابهار، بندرعباس، بوشهر و آبادان می رسانند. گفته می شود به هواپیمای این شرکت اجازه پرواز نمی دهند. هم بخاطر تحریم ها و هم بخاطر فرسوده بودن قطعات و خطر ساز شدن در فرودگاه های بین المللی هنگام بلند شد و یا نشستن.

عمق ماجرا را از روی قیمت بلیط ها می توان درک کرد. مثلا قیمت بلیط هموایمایی امارات بیش از ۲ برابر قیمت بلیط شرکت "ماهان ایر" یا "ایران ایر" شده است.

فرودگاه امام با همه پهناوری آن، از پس ۲ تا ۳ پرواز همزمان بر نمی آید و همیشه صف طولانی پاسپورت و پس از آن صف طولانی تر تحویل بار برقرار است و تازه بعد از عبور از این دو صف، صف تاکسی در انتظار است.

مهر پاسپورت ها را اغلب داده اند به خانم ها درشت اندامی که بیشتر شبیه مردان زورخانه اند تا زنانی که در سیمای جمهوری اسلامی و یا سینماها دیده می شوند. این خانم ها که چادر هم به سر دارند وابسته به سپاه و نیروی انتظامی اند و بیش از همه با مسافران زن سر ناسازگاری دارند. عبوس، لب ها سفید چون لب جنازه، صورت های بی روح و البته مسلط به کاری که برعهده شان گذاشته شده است.

کرایه تاکسی های فرودگاه در مقایسه با سال گذشته دقیقا ۲ برابر شده است و با ۱۷۵۰۰ تومان مسافر را به تهران می رسانند. در تمام این مراحل، یعنی از صف های داخل فرودگاه تا لحظه ای که از تاکسی پیاده می شوید، مسافران رکیک ترین ناسزاها را حواله حکومت می دهند. اما برخلاف سالهای گذشته راننده ها با مسافران هموائی نمی کنند، سری تکان میدهند و آره آره ای می کنند. ظاهرا دیگر خسته شده اند از بحث و فحش و هموائی با مسافران.

نانوائی ها و دکه روزنامه فروشی ها دو مکانی است که پس از ورود به تهران با آنها سروکار پیدا می کنید. نان بربری که مربع شکل شده و بسیار بی مزه، دکه های روزنامه فروشی هم پر شده از نشریات ورزشی و روانشناسی و سینمایی. گرچه اعتماد ملی و کارگزاران را می توان خرید و خواند. همه روزنامه ها بطرز فاحشی محتاط شده اند. همه مقالات و تیترها، یا نقل قول است تا خبر.

طرح تحول اقتصادی بحث روز بود. طرحی که همه آنرا غیر کارشناسی و صرفاً جهت گرفتن رای عوام به نفع احمدی نژاد تلقی می کنند. فرم هایی در اداره پست به مردم ارائه میشد تا اطلاعات خانوار ثبت شده و جهت دریافت رایانه نقدی به دولت ارائه شود. موضوع سوءاستفاده **امنیتی** و مالیاتی از این اطلاعات چند روزی تیتتر دوم روزنامه ها بود. بهر حال آنطرف قضیه که هنوز چه تعداد مردم زیر خط فقر وجود دارند هم جالب بود. تا روزهای آخری که شاهد بودم خبر از دریافت **۷ میلیون** فرم خانوار داده می شد. مجله شهروند که قوچانی و عطریان فر مشترکا در می آورند این موضوع را با مصاحبه هایی موشکافی کرده بود که بسیار جالب بود.

گویا مطبوعات غیر از مصاحبه یا نقل قول کار دیگری نمی توانند بکنند. همین نشریه شهروند با وجودی که طرح و خبر روی جلدش مثلاً همایون شجریان یا محمد رضا گلزار بود ولی محتویات جالبی داشت. طرح تحول - تاسیس فروشگاه ایرانیان - موضوع روسیه و گرجستان - مرگ سولژنتسین از جمله آنها بود و یا مصاحبه هایی در باره حسن آیت و نقش او در اوایل انقلاب که بهر حال خواندنی بودند.

و اما بازار، آنجا که نبض جمهوری اسلامی می زند. بازار مسکن بکلی در رکود است. دولت سعی دارد این رکود را توقیفی ناشی از برنامه های ارائه مسکن ارزان قلمداد کند ولی همه می دانند که دولت جز چند تیتتر اجباری در روزنامه ها که مثلاً مسکن ارزان تر خواهد شد، کار دیگری نکرده است. شایعه دلالت بازی **اژه ای وزیر اطلاعات** و بخشی از **سپاه** در بازار مسکن سرزبان هاست. هنوز زمین های تفکیک نشده اطراف تهران و ویلاهای چند میلیاردی نیاوران بنام خویشاوندان حضرات سند می خورد. اما آپارتمان در بدبخت ترین قسمت شهر مثل نازی آباد کمتر از متری یک و دو بیست نیست.

بازار خرده فروشی - اگر سوپرمارکت ها را جدا کنیم - تقریباً تعطیل است. میدان منیریه چنان خلوت است که انگار همه روزهای هفته جمعه است. بیش ۵۰ فروشگاه را شمردم که خالی از مشتری بودند. جز پوشاک وطنی با مارک های خارجی بقیه اجناس و اقلام وارداتی اند. از هر صاحب مغازه ای که دلیل را سؤال کنید می گوید تا احمدی نژاد هست اوضاع همین است. مردم تک تک و در زندگی روزانه خود با چهره حکومت آشنا هستند و می شوند اما بزرگترین موفقیت دولت، همانا گرفتن جلوی گردش خبر و اطلاعات و آگاهی در کل جامعه و بالا گرفتن بحث و تبادل نظر است و این کنترل فعلاً به نوعی بی خیالی انجامیده است و تصور نمی شود کسی حال انتخابات رئیس جمهوری داشته باشد!

راه توده ۱۹۲ ۰۱،۰۹،۲۰۰۸